

بررسی دیدگاه تفسیری سید مرتضی (ره) در آیه‌ی ۱۶ سوره اسراء در مقایسه

با تفاسیر روایی محض اهل سنت

سیده راضیه پور محمدی*^۱، احسان کیوان^۲

۱- دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک

۲- استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و قرآن قم

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۲/۱۹ - تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۵/۲۰

چکیده

قرآن سخن آشکار حق، برای هدایت انسان به سوی کمال است. بدین رو هر آیه قرآن به سبب معانی، نکات ظریف و فصیح‌اش نیازمند تدبر و فهم عمیق است. از زمان نزول قرآن تاکنون مفسرین زیادی کوشیده‌اند معنای آیات را در حدّ توان و طاقت خود دریابند. پژوهش حاضر با روش توصیفی به بررسی دیدگاه کلامی و روایی محض «آیه ۱۶ سوره اسراء» می‌پردازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که طبق دیدگاه سید مرتضی (ره)، اراده هلاکت محقق نمی‌شود، مگر به هلاکت حَسَن و قَبیح؛ متعلق «امرنا» طاعت است، زیرا اگر فسق باشد، باید پاداش داده می‌شدند نه عقاب. امکان قرائت واژه‌ی «امرنا» به سه حالت بحث شده است. اول: «أمرنا مُتَرَفِّها» صفت «قریه» باشد، یعنی هرگاه بخواهیم قریه‌ای را که طبقه‌ی مرفه آن را امر کرده‌ایم و آنها نافرمانی کرده‌اند، هلاک کنیم. بنابراین، جواب «اذا» محذوف است. دوم: «اراده» در معنای مجازی به کار رفته است؛ زیرا در زبان عرب مجاز و استعاره و آرایه‌های ادبی زیادی به کار می‌برند؛ و سوم: در آیه تقدیم و تأخیر صورت گرفته باشد؛ البته در

تفاسیر (بخاری، القرآن العظیم، الدر المنثور) که در این پژوهش از آن بهره گرفته شده، می‌توان دریافت که آنان روایاتی را که ذیل آیه آورده‌اند، بیش از آنکه آیه را تشریح کند، صرفاً یک لفظ از آیه را دارای اختلاف قرائت دانسته‌اند، و روایات حاکی از آن است که ابتدا «امرنا» به معنی «کثرنا» بوده و سپس معانی امارتشان دادیم و امرشان کردیم نیز آمده است.

واژگان کلیدی: تفسیر، سید مرتضی (ره)، سوره اسراء، هلاکت، اراده

۱. مقدمه

قرآن کتاب جاویدی است که تعلیمات لازمه تمام بشریت را بیان نموده‌است و با چراغ هدایتش مایه بصیرت هر حقیقی شده است و تنها راه رهایی از ضلالت و گمراهی و رسیدن به توحید و یکتاپرستی و نجات از سرگردانی و حیرت، اعتقاد به نزول عینی همین قرآن بر بهترین خلق روزگار پیامبر اکرم (ص) است که هیچ شبیه و مانندی ندارد و در طول زمان باعث تربیت مردمان برای دوران‌های سخت و بی‌امان شده است.

خداوند متعال هر گاه بندگان او را اطاعت می‌کردند، سربلندشان می‌کرد، و هر وقت از در عصیان در می‌آمدند ذلیل و خوارشان می‌ساخته است. خدا با آنان سخن گفته و نیز کیفیت نزول کتاب بر آنان و پیرامون دعوت آنان به توحید و نفی شرک را توضیح داده است. سپس به همین مناسبت کلام را به وضع این امت معطوف ساخته، که بر این امت نیز کتاب نازل کرده است. پس اگر اطاعت کنند اجر می‌برند، و اگر عصیان بورزند عقاب می‌شوند، و ملاک کار ایشان مانند آنان به همان اعمالی است که می‌کنند، و به طور کلی با هر انسانی بر طبق عملش معامله می‌کنند، و سنت الهی در امت‌های گذشته نیز بر همین منوال بوده است.

سوره‌ی مبارکه اسراء یکی از سوره‌های این کتاب عظیم است که پیرامون مسأله توحید و تنزیه خدای تعالی از هر شریکی که تصور شود؛ می‌باشد و با اینکه در این مورد بحث می‌کند، اما مسأله تسبیح خدا را بر مسأله حمد و ثنای او غلبه داده، و بیشتر به قسم دوم پرداخته است. در آیه ۱۶ همین سوره شبهاتی درباره‌ی حکمت و عدالت خداوند مطرح شده که با منزه بودن خداوند از زشتی‌ها منافات دارد. آیه مذکور به واسطه وجود ترکیباتی در آن، میدان ظهور بحث‌های تفسیری شده است. پژوهش حاضر بر آن است تا دریابد نظر تطبیقی سید مرتضی (ره) با روایان ۳ کتاب تفسیری اهل سنت که قائل به مکتب تفسیر روایی محض هستند در خصوص این آیه چیست؟

۲. مروری بر سوره‌ی اسراء آیه ۱۶

خداوند متعال دستوراتش را به «ثروتمندان خوش‌گذران» ابلاغ می‌کند؛ چراکه معمولاً در جوامع ناسالم، این افراد، سردمدار اجتماع و ریشه اصلی فسادگری هستند. از این رو آنان در صف اول مقابله با پیامبران قرار دارند و بقیه مردم پیرو آنان‌اند؛ ولی هنگامی که عذاب در رسد همه را فرا می‌گیرد. گروهی به خاطر نافرمانی و فسادگری عذاب می‌شوند و گروهی به خاطر سکوت و نهی از منکر نکردن. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱۲، ص ۵۲) لذا در سوره اسراء آیه ۱۶ چنین آمده است: «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا» (هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را نابود کنیم، مرقه‌بین و خوش‌گذران‌هایش را [به وسیله وحی به طاعت، بندگی و دوری از گناه] فرمان می‌دهیم، چون [سرپیچی کنند و] در آن شهر به فسق و فجور روی آورند، عذاب بر آنان لازم و حتم می‌شود، پس آنان را به شدت درهم می‌کوبیم و بنیادشان را از ریشه بر کنیم).

۱/۲- بررسی آیه از حیث صرفی: صافی جزء به جزء نکات آیه رامطرح کرده است و بخش‌های مهم بحث برانگیز آن به شرح ذیل است:

(واو) عاطفه (إذا) ظرف برای زمان مستقبل متضمّن معنی شرط در محلّ نصب متعلّق به (أمرنا)، (أن) حرف مصدریّ (نهلك) مضارع منصوب، و فاعل نحن برای تعظیم، (قریة) مفعول به منصوب (مترفیها) مفعول به منصوب و علامت نصب یاء (الفاء) عاطفه (ها) ضمیر در محلّ جرّ متعلّق به (فسقوا)، (الفاء) عاطفه (علیها) مثل فیها متعلّق به (حقّ)، (ها) مفعول به (تدمیرا) مفعول مطلق منصوب.

مصدر المؤوّل (أن نهلك...) در محلّ نصب مفعول به عامل أردنا، جمله: «أردنا...» در محلّ جرّ مضاف إلیه، جمله: «نهلك...» محلی از اعراب ندارد صله موصول حرفی (أن)، جمله: «أمرنا...» محلی از اعراب ندارد جواب شرط غیر جازم، جمله: «فسقوا...» محلی از اعراب ندارد معطوف بر جمله جواب شرط، جمله: «حقّ علیها القول» محلی از اعراب ندارد معطوف بر جمله فسقوا، جمله: «دمرناها...» محلی از اعراب ندارد معطوف علی جمله حقّ علیها القول، (مترفیها) جمع مترف، اسم مفعول از اُترف رباعی، وزن آن مفعول به ضمّ میم و فتح عین، (تدمیرا) مصدر قیاسیّ برای فعل دمر رباعی، بروزن تفعیل (صافی، ۱۴۱۸: ج ۱۵، ص ۲۴).

۲/۲- بررسی آیه از حیث نحوی: پس از بررسی صرفی آیه مذکور، تحلیل نحوی آن نیز به شرح ذیل است:

۱/۲/۲- فعل «أردنا» در آیه ۱۶ سوره اسراء: در لغت از (رَوَدَ) گرفته شده و به معنی طلب کردن است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۱۴۴) [رَادًا] الشیء: آن چیز را دوست داشت و به آن میل و رغبت نمود (مهیار، بی تا: ص ۳۸). تردد با مهربانی برای طلب چیزی (راغب اصفهانی، ۱۳۷۰: ص ۳۷۱).

۲/۲/۲- فعل «هَلَك» در آیه ۱۶ سوره اسراء: دلالت دارد بر کسر و سقوط (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱۱، ص ۲۷۰)، هلاک در اصل به معنی ضایع شدن و تباه گشتن است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۱۵۹)، به مصرف رسانیدن چیزهای خوب و نیکو از سوی دارندگان آنها (مهیار، بی تا: ص ۶۹).

۳/۲/۲- فعل «أَمَرَ» در آیه ۱۶ سوره اسراء: امر ضد نهی است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۱۴۳)، امر دو معنی دارد یکی کار و چیز، جمع آن امور است و دیگری دستور و فرمان است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۰۹).

۴/۲/۲- کلمه «مُتَرَفِيهَا» در آیه ۱۶ سوره اسراء: کلمه «ترفه» به معنای توسعه دادن در نعمت است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۰: ص ۱۶۶)، به معنی تنعم به نعمت‌های دنیوی و غفلت از نعمت‌های معنوی (مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۱۳، ص ۱۶۸).

۵/۲/۲- فعل «فَسَقَ» در آیه ۱۶ سوره‌ی اسراء: بررسی دقیق آیاتی که کلمه فسق در آنها به کار رفته است، اثبات می‌کند که قرآن کریم نیز این کلمه را در معنای لغوی آن، یعنی خروج از مسیر حق، به کار برده است. قرآن، نافرمانی خداوند را از مصادیق خروج از مسیر حق می‌شمارد و بر این اساس، فسق را نکوهیده می‌داند و فاسق را توبیخ می‌کند و او را سزاوار کیفر می‌بیند. در کتاب مفردات القرآن در مورد ریشه کلمه فسق آمده است: «فَسَقَ فلانٌ: خَرَجَ عن حَجَرِ الشرع ، وذلك من قولهم فسقَ الرُّطْبُ إذا خرج عن قِشره» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۰: ص ۳۸۰)، فسق عبارت است از هر نوع نافرمانی خدا و معصیتی که از معاصی بزرگ باشد و فاعل آن یا کسی که داخل آن معصیت شده، به جهت لذت و شهوت و غلبه تمایلات به این عمل مبادرت کرده است. این فعل، فسق و فاعل آن فاسق است که به جهت فسق از ایمان خارج است (ابن شعبه، ۱۳۸۲: ص ۲۲).

۵/۲/۲- «دَمَرَ»: به معنی هلاک شدن است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۳۵۷)، تدمیر یعنی نابود شدن بنا (ابن عاشور، بی‌تا: ج ۱۴، ص ۴۵).

۳/۲- نگاهی به اختلاف قرائات در آیه ۱۶ سوره اسراء: گفته شده که آیه را به قرائت معروف که جمله «أَمَرْنَا» را با همزه و بعد از آن میم بدون تشدید قرائت نموده‌اند قرائت کنیم و آن را از ماده «أمر» که به معنای طلبیدن است بدانیم؛ ولی چه بسا که آن را به معنای اکثر دانسته‌اند، و گفته‌اند معنایش این است که مال و اولاد

مترفین را زیاد کردیم، و ایشان در آن شهر فساد راه انداختند. بعضی دیگر آن را به صورت «أمرنا» قرائت کرده و به علی(ع) و به عاصم و ابن کثیر و نافع و غیر ایشان نسبتش داده‌اند که از ماده «ایمار» و به معنای امارت و فرمانروایی است، بعضی دیگر آن را به صورت «أمرنا» با تشدید میم از مصدر «تامیر» به معنای تولیت و عهده‌داری امارت قرائت کرده و به امام علی و امام حسن و امام باقر(ع) و به ابن عباس و زید بن علی و غیر ایشان نسبتش داده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص ۸۳).

۴/۲- **شأن نزول آیه:** آیه مذکور تهدید برای مشرکانی است که اهل مکه بودند و مسلمانان را تعلیم می‌دادند که مانند خودشان راه گمراهی را برگزینند. از این رو خداوند متعال رسول اکرم(ص) را فرستاد تا فرمان به شرع کند و مردم را به راه راست هدایت نماید، ولی به سبب سرپیچی این مشرکان از فرمان پیامبر(ص) که در راستای فرمان الهی بود، خداوند متعال آن‌ها را هلاک و نابود کرد (ابن عاشور، بی‌تا: ج ۱۴، ص ۴۵).

۳. نظر سید مرتضی(ره) درباره آیه‌ی مذکور

ایشان در زمان اشاعره و معتزله جوابگوی شبهات در آن زمان بوده است. در آیه ۱۶ سوره مبارکه اسراء گروه اشاعره شبهاتی را وارد کرده اند که سید مرتضی به هر کدام از سوالات به شرح ذیل جواب داده است:

شبهه اول: چرا خداوند اراده هلاکت عده‌ای را می‌کند؟ آیا این با منزه بودن خداوند از ظلم و ستم و زشتی‌ها منافات ندارد؟

شبهه دوم: با توجه به این که در آیه می‌فرماید: «أمرنا مُترَفِیْها فَفَسَقُوا فِیْها» مترفین آن سرزمین را امر می‌کنیم و آنان در آنجا فسق می‌کنند، آیا امر خداوند به فسق با منزه بودن خداوند از زشتی‌ها و اختیار و آزادی انسان‌ها از سوی دیگر منافات ندارد؟ اصلاً چرا خداوند امر به فسق می‌کند؟

شبهه سوم: اساسی‌ترین اشکال این است که چگونه خداوند قبل از ارتکاب گناه از سوی بندگان اراده مجازات و هلاکت عده‌ای را می‌نماید؟ آیا این با قبح عقاب بلابیان، منافات ندارد؛ آیا این قصاص قبل از جنایت نیست؟

۱/۳- **پاسخ اول:** اراده هلاکت از سوی خداوند: سید مرتضی چنین پاسخ می‌گوید: هلاکت دو نوع است، گاهی نیکو(حسن) و گاهی زشت(قبیح)، پس اگر کسی استحقاق هلاکت را داشته باشد یا اینکه برای امتحان دچار هلاکت شود پس اشکالی ندارد و خوب است و اگر از روی ظلم و ستم باشد هلاکت زشت است. درواقع ظهور آیه هیچ اقتضای هلاکت به وجه قبیح را نمی‌کند. هلاکت استفاده شده شامل حسن و قبیح اگر ما بدانیم با دلیل عقلی که خدا از زشتی‌ها پاک و منزّه است، می‌دانیم که اراده هلاکت محقق نمی‌شود مگر به هلاکت حسن و قبیح، مانند این که بگوییم امر کردیم او را به خیر اما او عصیان کرد (امرته فعصی)، مأمور به محذوف است، هرچند بعد از کلمه امرنا فسق واقع شده است.

ممکن است درباره این تفسیر بگویند: موضع شبهه و کلام ما نیست، بلکه همانا موضع شبهه ما آنجایی است که چه معنایی دارد و به چه دلیل اراده هلاکت آمده، اگر این هلاکت متعلق به هلاکتی باشد که شخص مستحق آن بوده است، صحیح می‌باشد اما اگر به غیر آن در آیه آمده باشد، پس معنی ندارد بگوید که (اردنا امرنا) لذا بی- معنی می‌باشد. چرا که آنچه خدا به ما امر می‌کند موجب درستی و پسندیده بودن او نیست به مجازات از روی استحقاق و مجازات قبلی نمی‌شود و اگر این اراده برای مستحق این آیه ذکر شده باشد، پس همان مطلب قبلی است که از آن ابا داریم، چون خداوند اقتضا می‌کرد اراده هلاکت کسی را که اراده استحقاق ندارد، جواب از این مطلب این است که خداوند اراده خودش را وابسته نمی‌کند مگر به هلاکتی که استحقاق آن را ندارد، مربوط به گناهان گذشته است.

۲/۳- پاسخ دوم: امر به فسق از سوی خداوند: تعبیر «أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا» صفت «قریه» است. یعنی: هر گاه بخواهیم قریه‌ای را- که طبقه مرفه آن را امر کرده‌ایم و آنها نافرمانی کرده‌اند، هلاک کنیم، بنابراین، جواب «اذا» محذوف است و نیازی هم به آن نیست؛ زیرا آشکار است. مانند: حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا ... فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (زمر ۷۴، ۷۳) تا وقتی که آمدند و درهای آن گشوده شد ... و اجر صاحبان عمل نیکوست) در این آیه، جواب «اذا» حذف شده است.

۳/۳- پاسخ سوم: اراده هلاکت قبل از ارتکاب گناه: کلمه اراده، در معنای حقیقی خود بکار نرفته؛ بلکه منظور معنای مجازی یعنی: نزدیک بودن هلاک است، نه اراده هلاک. مثل این جمله‌ها:

- اذا اراد المريض ان يموت خلط في ما كله و يسرع الي ما تتوق نفسه.

یعنی: هر گاه مرگ بیمار نزدیک شود، غذاهای مضر می‌خورد و زندگی‌اش دشوار می‌شود.

- اذا اراد لتاجر ان يفتقر اتاه الخسران- یعنی: هر گاه دوران فقر تاجر نزدیک شود، زیان می‌بیند.

مشخص است، که بیمار اراده مرگ و تاجر اراده فقر نمی‌کند، لکن از آنجا که معلوم است بیمار در شرف مرگ و تاجر در شرف فقر است، چنین استعمالی صحیح است. در کلام عرب، مجاز، استعاره، اشاره و کنایه فراوان است و بخاطر همین مزایاست که زبان آنها در عالیترین درجه فصاحت و بلاغت، قرار دارد.

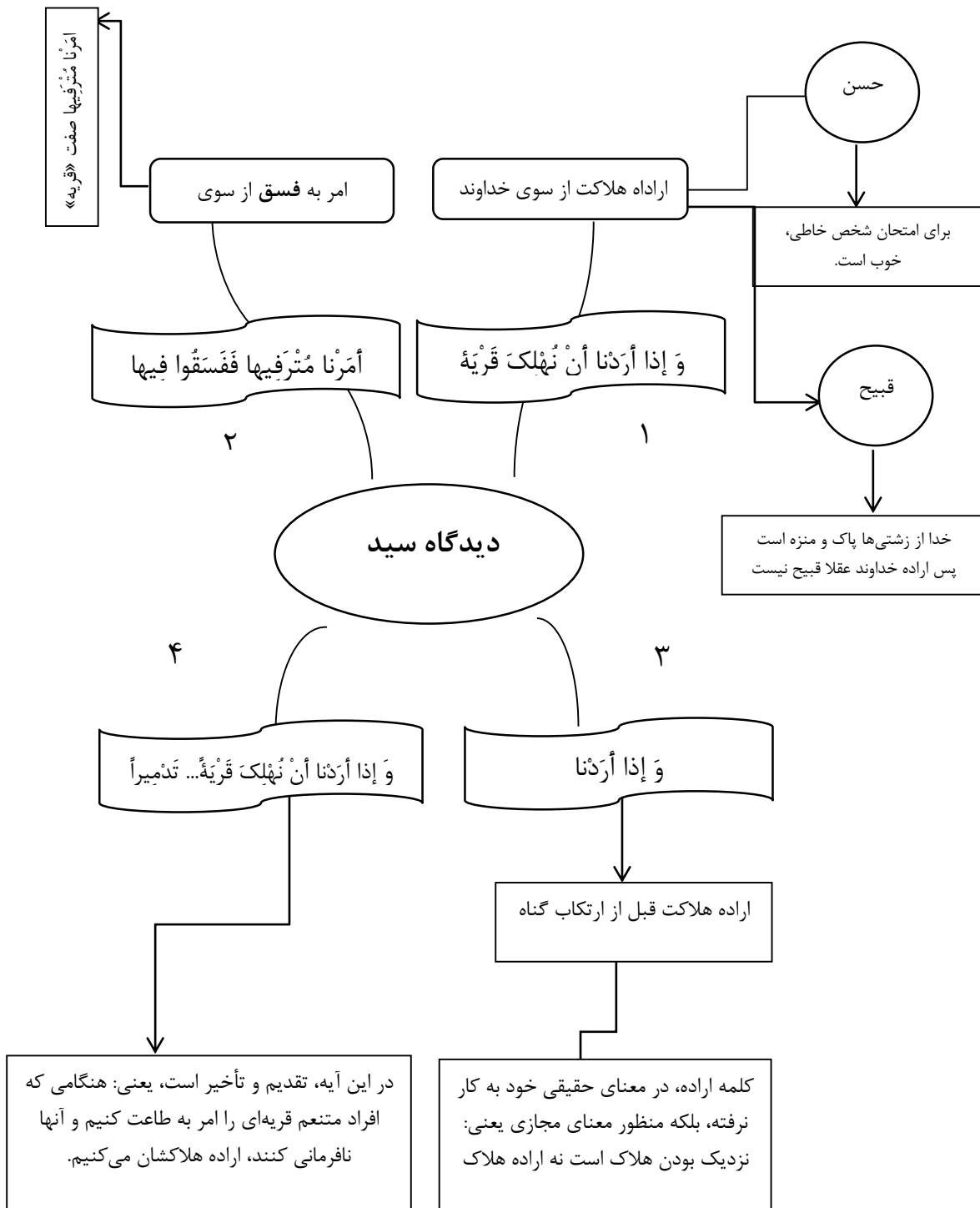
۴/۳- پاسخ چهارم: تقدیم و تأخیر در آیه: در این آیه، تقدیم و تأخیر است، یعنی: هنگامی که افراد متنعم قریه‌ای را امر به طاعت کنیم و آنها نافرمانی کنند، اراده هلاکشان می‌کنیم. ممکن است شاهد این وجه، این آیه باشد: «وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ» (نساء/۱۰۲)

هر گاه تو در میان ایشان باشی و نماز بپا داری، باید گروهی از ایشان با تو به نماز بایستند. بدیهی است که جمله «فلتقم...» قبل از جمله «فاقمت...» می‌باشد، زیرا اقامه نماز، آوردن نماز بطور کامل است.

شاهد دیگر، این آیه است:

– إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ (مائده/ ۶) (هر گاه بنماز بایستید، صورتتان را بشویید) بدیهی است که شستن صورت (و گرفتن وضو) پیش از ایستادن به نماز است، پس اگر شرط و جواب شرط را جابجا کنیم، در حکم آیه تغییری ایجاد نمی‌شود (موسوی علوی، ۱۳۷۳: ص ۱-۱۰).

بنابراین، آنچه ذکر شد دیدگاه‌های سید مرتضی در پاسخ به شبهات اشاعره است. همان طور که مشخص است، ایشان چهار وجه را برای پاسخگویی به سوالات اشاعره ذکر کرده‌اند و به نظر می‌رسد پاسخ اول ایشان، طبق فهم اشاعره جواب محکمی باشد؛ چرا که آنان اراده هلاکت از سوی خداوند را حتی در وجه قبیح آن از مسائل جبر می‌دانستند و فهم درستی از اراده (حَسَن) نداشتند، با روشن شدن این مطلب به درستی می‌توان دریافت که از سوی خداوند متعال جز اراده (حسن) ممکن نیست، چون باصفات ثبوتی پروردگار همخوانی دارد.



۴. دیدگاه مفسران روایی محض اهل سنت درباره‌ی آیه مذکور

پس از بررسی دیدگاه سید مرتضی، به بررسی دیدگاه سه تن از مفسران قائل به تفسیر روایی محض به شرح ذیل پرداخته می‌شود:

۱/۴- صحیح بخاری: بخاری در کتابش آورده است که: در زمان جاهلیت زمانی که شمار افراد قبیله ای زیاد می‌شدند می‌گفتیم: امر بنو فلان

در کتاب فتن، باب یاجوج و ماجوج با ذکر روایتی در خصوص «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ...» چنین آورده است که: زینب بنت جحش گفته است که: گفتم: یا رسول الله آیا هلاک می‌شویم، درحالی که میان ما اشخاص نیکوکار باشد؟ فرمود: آری، اگر بدی زیاد شود.

در نتیجه صاحب بخاری با ذکر این دو روایت بیان می‌کند که در این آیه اختلاف مساله بر سر واژه «امر» هست و با رجوع به زبان عرف قرائت «آمرنا» را برگزیده است و همچنین هلاکت انسان‌ها برمی‌گردد به اعمال بد خودشان و انسان‌های پاک و درستکار هم در این هلاکت سهیم هستند. ایشان «امر» را همان اکثر در نظر گرفته است.

حال سوال‌هایی در این آیه مسکوت مانده و روایتی ذیل آن آورده نشده است. از جمله سوال‌ها این است: چرا خداوند اراده هلاکت کرده است؟ آیا قبل از گناه خداوند کسی را هلاک می‌کند؟

۲/۴- ابن ابی حاتم رازی: در خصوص این آیه از ابن عباس نقل شده است که «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا» پس زمانی که چنین کردند، آنان را به عذاب هلاک کردیم «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا».

همچنین: امرنا مترفیها را مثقله می خواندند. می گفتند: امرنا علیهم أمراء. در روایتی دیگر چنین آمده که: فاسقانشان را زیاد کردیم. در روایتی دیگر امرنا مُتْرَفِيهَا: زیادشان کردیم.

خداوند متعال می فرماید: قوله تعالى: « مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا » (اسراء/۱۸). هر کس [همواره] دنیای زودگذر را بخواهد [چنین نیست که هر چه بخواهد بیابد بلکه] هر چه را ما برای هر که بخواهیم، به سرعت در همین دنیا به او عطا می کنیم. آن گاه دوزخ را در حالی که نکوهیده و رانده شده از رحمت خدا وارد آن می شود برای او قرار می دهیم. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۳۲۱)

ابن ابی حاتم رازی از روایاتی که ذیل آیه آورده است می توان دریافت که مراد از «امرنا» در آیه، همان کثرتنا یعنی زیاد شدن نسل و اولاد را منظور است و در نتیجه خداوند متعال آنان را زیاد کرده و سپس هلاکشان کرده است. سپس با استناد به آیه ۱۸ همین سوره، بیان می کند که مترفین آنها خواستار مال و دنیای زود گذر بوده اند و خداوند خواسته آنان را اجابت کرده و سپس هلاکشان کرده است.

ایشان نیز در پاسخ به سوالاتی از قبیل اینکه آیا خداوند راده هلاکت می کند یا خیر؟ هلاکت قبل از ارتکاب گناه در آیه چگونه از خداوند عادل انتظار می رود و... مسکوت مانده و روایاتی ذکر نشده است.

۳/۴. سیوطی: خداوند متعال در خصوص آیه می‌فرماید: جمله «أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا» امر به طاعت شده و عصیان کرده اند. در روایتی دیگر جمله: «أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا» آنان نقض عهد کردند و به حق آنان را با همان نابود کردیم.

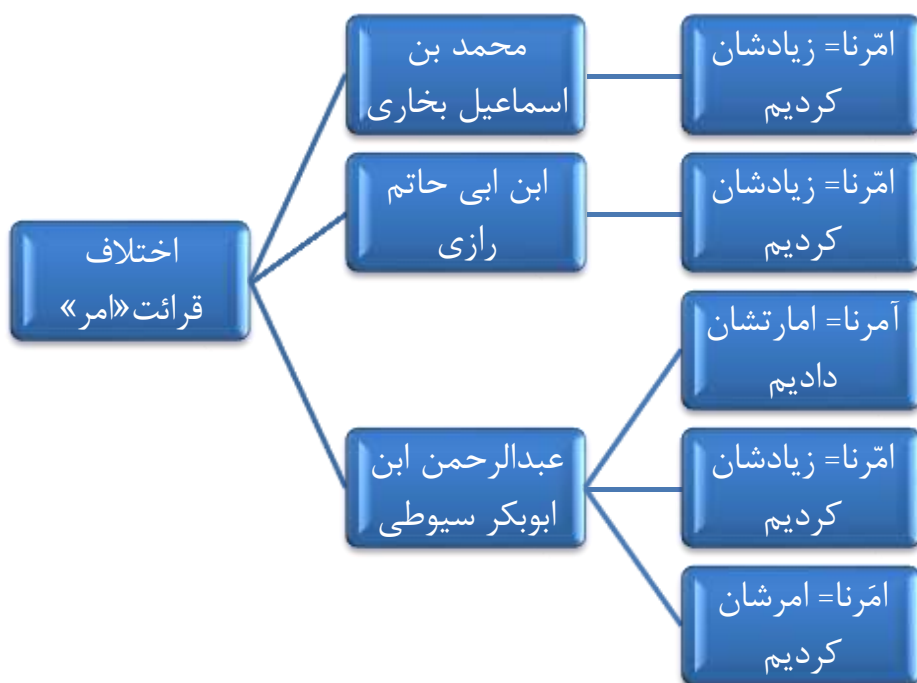
همچنین آمده است که: به متکبران آنها قدرت بخشیدیم و عصیان کردند، پس زمانی که چنین کردند، آنان را به عذاب هلاک کردیم. «وَوَكَّلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا...»

در روایتی دیگر آمده است که: «أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا» متکبران را بر آنان چیره کردیم، آنها را به سخت‌ترین عذاب شکنجه کردند. همچنین: امرنا مترفیها را مثقله می‌خواندند. می‌گفتند: «أَمَرْنَا عَلَيْهِمُ أَمْرًا».

ابن ابی حاتم نیز روایت کرده که: امرنا مترفیها قرائت شده است، یعنی به مد آ و اکثر آنها فسق کردند.

در قول دیگر «أَنَّهُ قَرَأَ أَمْرًا مُتْرَفِيهَا» فرمود زیاد کردیم آنان را. در روایتی دیگر امرنا مترفیها زیادشان کردیم. (سیوطی، ۱۴۰۴؛ ج ۴، ص ۱۶۹) در روایاتی که سیوطی ذیل آیه ذکر کرده است:

اولاً: اگر مراد «أَمْرًا» باشد، خداوند متعال امر به طاعت کرده و آنان عصیان کرده اند. پس در جواب این سوال که خداوند امر به چه کاری کرده است جواب داده می‌شود. ثانیاً: در روایاتی دیگر «امرنا» را هم با مد و هم مثقله ذکر کرده است و در اینجا مشخص نیست که آیا عهده دار امارت بوده اند یا نسل و اولادشان زیاد شده است!



نمودار حاکی از آن است که در زمان بخاری، آیه مذکور فقط به یک شکل قرائت می- شده و آن هم مشدد خوانده شده است و در زمان ابن ابی حاتم رازی نیز به همین گونه تلاوت می- شده و به معنی کثرتنا بوده است، اما با گذشت زمان، در زمان سیوطی آن را به سه شکل قرائت کرده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

سید مرتضی (ره) آیه را بر اساس دیدگاه کلامی خود، در جواب اشاعره به چند شکل جواب داده است.

۱- در آیه شبهه ایجاد کرده‌اند که چگونه خداوند اراده به هلاکت قومی کرده است و این جبر است و در پاسخ گفته شد: اراده هلاکت محقق نمی‌شود، مگر به هلاکت

حسن و قبیح، مانند این که بگوییم امر کردیم او را به خیر اما او عصیان کرد (امرته فعصی)، مامور به محذوف است، هرچند بعد از کلمه امرنا فسق واقع شده است.
 ۲- فعل «امرنا» در آیه دچار اختلاف قرائت شده است و به سه صورت «أمرنا، امرنا و أمرنا» آمده است.

۳- شبهه شده است که متعلق «امرنا» فسق است یا طاعت؟ در پاسخ گفته شده است: متعلق «امرنا» طاعت است، زیرا اگر فسق باشد باید پاداش داده می‌شدند نه عقاب، واژه «امرنا» را به سه حالت قرائت کرده‌اند، که در هر حالت معنی خاصی دارد و در اینجا مفسیرین آن را طلب کردن معنی کرده‌اند.

۴- در آیه در نقش «أمرنا مُتْرَفِیْهَا» نزاع شده است و پاسخ این است که: «أمرنا مُتْرَفِیْهَا» صفت «قریه» است. یعنی هر گاه بخواهیم قریه‌ای را که طبقه مرفه آن را امر کرده‌ایم و آنها نافرمانی کرده‌اند، هلاک کنیم، بنابراین، جواب «اذا» محذوف است و نیازی هم به آن نیست.

۵- شبهه مطرح شده است که اگر «اراده» در معنای حقیقی به کار برود نفی اختیار انسان است و در پاسخ گفته شد: «اراده» در معنای مجازی به کار رفته است، که در زبان عرب مجاز و استعاره و آرایه‌های ادبی زیادی به کار می‌برند.

۶- در آیه تقدیم و تاخیر صورت گرفته و اگر شرط و جواب شرط جابجا شود تغییری در حکم ایجاد نمی‌شود.

طرفداران مکتب تفسیری روایی محض، در آیه صرفاً به لفظ «امرنا» اشاره کرده‌اند و روایاتی ذیل آن آورده‌اند و همچنین مشاهده می‌شود که در ابتدا آیه را فقط به صورت مثقله خوانده‌اند اما با گذشت زمان، ذیل روایاتی، آیه به دو شکل مد و همزه نیز تلفظ شده است.

از مجموع نظرات چنین حاصل می‌شود که سید مرتضی (ره) قائل به جبر نیست و آیه را با دید کلامی و وسیع خود تشریح می‌کند، اما مفسرین اهل سنت قائل به جبر هستند و اراده خدا را بر هر کاری روا می‌دانسته‌اند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر والتنویر، بی جا: بی نا، بی تا.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، سوم: ۱۴۱۹ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، به تحقیق عبدالعلی نور احرار، تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام، چهارم، ۱۳۹۱ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالشامیه، ۱۳۷۰ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.
- صافی، محمد بن عبدالرحیم، الجدول فی اعراب القرآن، دمشق: دارالرشید، موسسه الایمان، چهارم، ۱۴۱۸ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، پنجم: ۱۳۷۴ش.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
- موسوی علوی، مرتضی علی بن حسین، غرر الفوائد و درر القلائد، قاهره: دارالاحیاء الکتب العربی، ۱۳۷۳ش.
- مهیار، رضا، فرهنگ أبجدی عربی - فارسی، بی جا: بی نا، بی تا.

A Study of the Interpretive Viewpoint of Sayyid Morteza (RA) in Verse 16 of Surah Al-Isra in Comparison with the Sunni Pure Interpretive Narrations

Seyyed Razie Pormohamadi* and Ehsan Keivan²

1- PhD Candidant, Department of Quran and Hdis, Arak University, Arak, Iran

2- Assistant Professor, Department of Quran and Hdis, Qom Quran University, Iran

(Received: May 9, 2021 – Accepted: August 11, 2021)

Abstrat

Since the revelation of Quran, many commentators have tried to understand the meanings of the verses to the best of their ability. The present study examines the purely theological and narrative perspective of "verse 16 of Surah Isra" with a descriptive-analytical method. According to the view of Seyyed Morteza (RA) the will to perish is not realized unless destruction of the good and the bad is realized; 2“Amarna” belongs to obedience, because if it was immoral, they should have been rewarded, not punished. The word "Amrna" has been recited in three ways. First, "Amrna Mutrafiha" can be the adjective for "village," that is, whenever we want to destroy a village from which we have ordered the affluent class and they have disobeyed. Then the answer to "if" is deleted. Second, "Will" might have been used in a figurative sense, since in Arabic, figurative language, metaphors, and literary devices are used a lot. Third, the verse might have included submission and delay. Of course in the commentaries (Bukhari, Al-Quran Al-Azeem, Al-Dar Al-Manthur) used in the present study, it can be seen that rather than explaining the verse, they have considered only one word of the verse as having different narrations.

Key words: Destruction, Sayyid Morteza, Surah al-Isra, will.

* Corresponding Author, Email: raz@sai.yahoo.com